

آزمایشهای سه گانه عیسی

¹ آنگاه عیسی به دست روح به بیابان برده شد تا ابلیس او را آزمایش نماید.² و چون چهل شبانه روز روزه داشت، آخر گرسنه گردید.³ پس تجربه کننده نزد او آمده، گفت: اگر پسر خدا هستی، بگو تا این سنگها نان شود.⁴ در جواب گفت: مکتوب است: انسان نه محض نان زیست می‌کند، بلکه به هر کلمه‌ای که از دهان خدا صادر گردد.⁵ آنگاه ابلیس او را به شهر مقدس برد و بر روی کنگره معبد برپا داشته،⁶ به وی گفت: اگر پسر خدا هستی، خود را به پایین انداز، زیرا مکتوب است: که فرشتگان خود را درباره تو فرمان دهد تا تو را به دستهای خود برگیرند، مبادا پایت به سنگی خورد.⁷ عیسی وی را گفت: و نیز مکتوب است: خداوند خدای خود را تجربه مکن.⁸ پس ابلیس او را به کوهی بسیار بلند برد و همه ممالک جهان و جلال آنها را بدو نشان داد.⁹ به وی گفت: اگر افتاده مرا سجده کنی، همانا این همه را به تو بخشم.¹⁰ آنگاه عیسی وی را گفت: دور شو، ای شیطان! زیرا مکتوب است: که خداوند خدای خود را سجده کن و او را فقط عبادت نما.¹¹ در ساعت ابلیس او را رها کرد و اینک، فرشتگان آمده، او را پرستاری می‌نمودند.

شروع کار عیسی و دعوت چهار ماهیگیر

¹² و چون عیسی شنید که یحیی گرفتار شده است، به جلیل روانه شد،¹³ و ناصره را ترک کرده، آمد و به

کفرناحوم، به کناره دریا در حدود زبولون و نفتالیم ساکن شد.¹⁴ تا تمام گردد آنچه به زبان اشعای نبی گفته شده بود:¹⁵ که، زمین زبولون و زمین نفتالیم، راه دریا آن طرف اُزْدُن، جلیل اُمّت‌ها؛¹⁶ قومی، که در ظلمت ساکن بودند، نوری عظیم دیدند و برنشینندگان دیار موت و سایه آن نوری تابید.¹⁷ از آن هنگام عیسی به موعظه شروع کرد و گفت: توبه کنید زیرا ملکوت آسمان نزدیک است.

¹⁸ و چون عیسی به کناره دریای جلیل می‌خرامید، دو برادر، یعنی شمعون، مسمی به پطرس، و برادرش اندریاس، را دید که دامی در دریا می‌اندازند، زیرا صیّاد بودند.¹⁹ بدیشان گفت: از عقب من آید تا شما را صیّاد مردم گردانم.²⁰ در ساعت دامها را گذارده، از عقب او روانه شدند.²¹ و چون از آنجا گذشت، دو برادر دیگر، یعنی یعقوب پسر زیدی و برادرش یوحنا را دید که در کشتی با پدر خویش زیدی، دامهای خود را اصلاح می‌کنند؛ ایشان را نیز دعوت نمود.²² دراین حال، کشتی و پدر خود را ترک کرده، از عقب او روانه شدند.

²³ و عیسی در تمام جلیل می‌گشت و در کنایس به آنها تعلیم داده، به بشارت ملکوت موعظه همی نمود و هر مرض و هر درد قوم را شفا می‌داد.²⁴ و اسم او در تمام سوریه شهرت یافت، و جمیع مریضانی که به انواع امراض و دردها مبتلا بودند و دیوانگان و مصروعان و مفلوجان را نزد او آوردند، و آنها را شفا بخشید.²⁵ و گروهی بسیار از جلیل و دیکاپولس و اورشلیم و یهودیه و آن طرف اُزْدُن در عقب او روانه شدند.